

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سپاوش آزاد

جنوری ۲۰۲۱

ماfiای قدرت، فساد و فروش ادارات دولت مزدور کابل

در کشور های تحت سیطره استعمار و امپریالیسم، اشغالگران در پی نابودی ملت معروض به تجاوز و اشغالگری شان اند. برای شکستن روحیه سلحشوری و رزمندگی در شخصیت انسان استعمارزده، برنامه و ستراتیژی دقیق داشته و ابزار و روش های رسیدن به این هدف پلید استعماری را به کار می بندند.

استعمارگران به هر کشوری که پا یگذاشته اند، تلاش ورزیده اند تا تمامی منافع و شرائین کشور تحت سلطه شان را فلج و مسدود نموده و اقتصاد آن کشور را از رمق باز داشته و در کنترل خود داشته باشند. استعمار می کوشد تا کلیه علائق، عواطف و همدردی انسانی را از روابط انسان های تحت سلطه از میان برداشته و روابط خشک پولی، سود محوری و منافع حقیر فردی و فردگرایی بورژوائی را به جای آن علائق پسندیده انسانی در روابط اجتماعی مردمان دربند بنشاند و حاکم سازد.

این سیاست ها، اگر با موانع و صخره های ضد استعماری برخورد، بدون استثناء به تقویت روابط استعماری به منظور مکیدن خون خلق های محکوم و سود بردن از کشور های پیرامونی دارای منابع طبیعی و نیروی کار ارزان مثل افغانستان اشغالی امروز، می انجامد.

یکی از این شیوه ها و شگرد های استعماری متجاوزان به کشور ما گسترش و نهادینه ساختن فساد در نهاد های دولت پوشالی مستعمراتی و در سرپای جامه دربند ما بوده است. گسترش فساد و فساد پذیری در میان اشغالگران و ایادی بومی استعمار در نقش عمال ریز و درشت دولت مزدور کابل طی سالیان طولانی اشغال کشور ما توسط امپریالیست های اشغالگر امریکا – ناتو، به حدی است که هر سو موج زده که بار ها اداره نام نهاد امریکائی "سیگار" را در مورد موجودیت فساد از صدر تا ذیل در نهاد های مربوط به اشغالگران و مزدوران به اعتراف واداشته است.

این فساد ذاتی و نهادینه شده در سرپای ارکان ثلاثة دولت مزدور سرایت کرده است. به طور عمده وجود فساد در قوای مجریه و قضائیه که کارکرد های آن در پیوند با حل و فصل مشاکل و منازعات و نیازمندی های مردم در محاکم و ادارات و کارکرد وزارتخانه ها، زمینه ساز رشوه ستانی، حیف و میل وسیع، دستبرد زدن به بودجه و مبالغ و اقلام کمکی، واسطه داشتن، تشریک امتیاز با خویشاوندان، تعصب قومی – زبانی، تصفیة قومی دوائر دولتی، سوء استفاده جنسی از کارمندان زن، قرارداد ها و خرید های دولتی و سائر موارد است، خود را نشان می دهد.

عمال دولتی از سطح وزراء، مشاوران، رؤساء و مدیران ارگان های دولتی افراد ضعیف و ابن الوقتی نصب شده در مناصب دولت پوشالی اند. اکثر این افراد آدم های فرصت طلبی اند که نه در فکر وطن و مردم اند و نه ذره ای احساس

ملی و انسانی دارند. این مفسدان فی الارض که از خیرات سر اشغالگران به مقامات پردرآمد اداری، قانونگذاری، قضائی، امنیتی و نظامی رسیده اند که در وقت کمی خون خلق ما را همانند زالو / شلوک داخل خندق مکیده و خود را چاق و چله می سازند.

استعمارگر در ازای سپردن این مناصب به چنین افرادی، از این افراد بی مایه و بی ریشه فاقد خصایص نیک و ارزش های ملی انتظار دارد، شب و روز سر به زیر در خدمت اوامر اربابان اشغالگر خویش قرار گرفته و در تطبیق دساتیر و فرامین اشغالگران جانفشانی کرده و شب را از روز نشناسند و مطابق به مثل " شتر دیدی؟ نه"، بر ستم، جنایت و غارتگری آنان در حق مردم و کشور خود چشم فرو بندند و لب به شکایت نگشایند.

یکی دیگر از اشکال فساد پذیری، رقابت در پیشقدمی برای خدمت به اشغالگران و سبوتاز - جاسوسی علیه رقباء نزد اربابان اشغالگر شان است.

گذشته از این که وزارت های دولت مزدور کابل از روز اول ایجادش توسط اشغالگران امریکائی - ناتوئی، به گونه شرکت سهامی برای هر دوره چهار - پنج ساله بین اراکین و جناح های مرتجع و خودفروخته دولتی تقسیم شده است، جناح ها و مافیای قدرت در پارلمان، محاکم و ثارنوالی ها کرسی های وزارت و سائر پُست های پردرآمد در وزارت مالیه، تجارت، ترانسپورت و غیره را خرید و فروش می کنند. آن عده ای که این مقام ها را اشغال می کنند، باید چندین برابر آن را از مراجعان که کار آنها وابسته به اجرائیات این نهاد ها است، پول رشوت به دست آورند.

در دوائر بخش های سه گانه دولت مزدور و آغشته با فساد کابل از سطح وزیر تا سرکاتب در پای هیچ سندی بدون اخذ پول و یا رشوت جنسی، امضاء نمی کنند. مراجعان به این دوائری که گند فساد آن بالاست، روز ها و هفته ها سرگردان به هر دری می زنند تا زمینه پرداخت پول رشوت را مساعد سازند. وقتی در دستت عریضه پایت به این ادارات بکشد، مأموران با حیل گوناگون، ایراد می گیرند تا فرد مراجع را وادار به پرداخت پول نمایند.

تقسیم و ترکه وزارت های دولت مزدور میان سران جناح های ارتجاع قومی داخل تیم های انتخاباتی به طور شرکت سهامی است که بر اساس عصبیت های قومی - زبانی به اخراج کارمندان و تصفیۀ دوائر از وجود عناصر "غیرخودی" در آن وزارت خانه منجر شده و این دست به دست شدن ادارات و جا به جا شدن مأموران دولتی باعث کندی کار و عقب افتادن امور محوله برای هفته ها و حتی ماه ها می شود. در اکثر موارد طی این مدت نوزده سال دیده شده است که شخص وزیر جناحی و زیردستانش صرف به سران جناح خود پاسخگو بوده و با بخش های دیگر دولتی هماهنگی نداشته اند. این نوع تقسیم وزارت ها میان سران ارتجاع قومی خادم اشغالگران، در موقع به هم خوردن ائتلاف انتخاباتی در عین حال وسیله ای است برای زیر فشار گذاشتن متقابل متحدان دیروز و حریفان امروز. تازه ترین مثال آن مشکل پیش آمده در وزارت صحت، ادعای دستگیری چهار تن حین اخذ رشوت و برکناری وزیر صحت عامه (احمد جواد عثمانی) پس از چند ماه مقرری و به هم خوردن میانه "غنی" و جنگ سالار مافیائی شمال "عطاء محمد" نور است. در حالی که ماه هاست که در کشور کرونا بیداد می کند، ولی به موازات شیوع و بیداد کرونا و امراض و مشکلات صحی گوناگون در کشور، وزارت صحت عامه مسؤول حل این معضل ملی، خود غرق در فساد، ارتشاء، دزدی و حیف و میل پول تشخیص و درمان بیماران نیازمند دارو و درمان، است.

شکل دیگر فساد سیستماتیک در سطوح بالای دولت و نظام مستعمراتی فئودال کمپرادوری کابل در محور مافیای قدرت یا به زبان جامعه شناسی مترقی همان " بورژوازی بوروکراتیک" شکل گرفته است. این مافیای قدرت در پناه حمایت بی دریغ اشغالگران به قدرت سیاسی چنگ انداخته و با سوء استفاده از قدرت سیاسی، شریان های اساسی اقتصاد کشور را به انحصار خود درآورده و قدرت سیاسی و اقتصادی را با هم آمیخته است.

مافیای قدرت که در بدنه دولت - وزارت خانه ها، سنا، پارلمان و دستگاه های قضائی و امنیتی پوشالی - و در حاشیه دستگاه دولت و در "ان جی او" ها جا به جا شده است؛ برای غصب و در انحصار درآوردن قدرت اقتصادی، شریان های اساسی اقتصاد ملی در سکتور های زراعت، صنعت، مخابرات، ساختمانی پیشه وری و به ویژه تجارت (واردات اقلام اساسی زندگی مثل غذا، سوخت، البسه، ادویه، مواد ساختمانی، ماشین ها و مصنوعات برقی، سوخت و سائر اقلام مورد نیاز دولت و نیرو ها و مؤسسات اشغالگر) و صادرات عمده تولیدات داخلی مثل میوه، قالین، مواد مخدر و ... را به اضافه تملک انحصاری بخش مخابرات و رسانه های خصوصی و قرارداد های دولتی را با ایجاد شرکت های خصوصی در بخش های تجاری، مخابرات، ساختمانی، رسانه ئی، ترانسپورتی، معدنی، بانکی و سائر خدمات مالی، در انحصار خود درآورده است. این شرکت های متعلق به مافیای قدرت صرف به خداوندگار خویش (امپریالیسم اشغالگر) حساسه بوده و با غارت منابع کشور و استثمار شدید نیروی کار در بی حقوق ترین شرایط، سالانه ده ها و صد ها میلیون دالر را غارت می کنند و علاوه از اشغالگران، یکی از چندین عامل تخریب محیط زیست کشور در بخش توریذ و توزیع غیرمعیاری مواد سوخت محسوب می شوند.

در کشور های تحت سیطره استثمار اشغالگران قصداً و عمداً می خواهند که مزدوران وابسته به خویش را با چنین اخاذی مصروف نموده تا خود توانسته باشند راحت تر مصروف طراحی و عملی شدن نقشه های استعماری خود در منطقه گردند. این فساد گسترده و نهادینه شده ذاتی و اکتسابی اشغالگران و مزدوران چنان در سرپای دولت مزدور پوشالی و در جامعه ریشه دوانیده و عمق یافته است تا جایی که هم اکنون سرزمین ما را در صدر کشور های آغشته به فساد و صادر کننده مواد مخدر و در موقعیت ناامن ترین کشور در جهان قرار داده است.

میزان سرایت فساد ذاتی اشغالگران و فسادپذیری دولت و نهاد های نظام مستعمراتی در کشوری اسیر و منکوب شده مثل افغانستان امروزی، تناسب معکوس با پیگیری و سرایت مقاومت ملی و مترقی آزادیخواهانه در جامعه دارد. اما متأسفانه در شرایط خاص کشور ما بنا بر دلائل متعددی که مجال پرداختن به آن در این مختصر نیست، خشم و انزجار بحق فزاینده مردم دلیر و آزادیخواه افغانستان نسبت به اشغالگران و مزدوران بومی شان، تا سرحد عالی ترین و گسترده ترین شکل مقاومت منسجم ملی رهائیبخش ارتقاء نیافت تا فساد فراگیر و تمامیت نظام فاسد مستعمراتی و دست تجاوز را در شعله های سرکش خود بسوزاند و ساحت جامعه را از لوٹ فساد امپریالیسم و ارتجاع همسرشتش منزه سازد.

به هر حال، دولت و نظام کهن حاکم با پایه طبقاتی فئودال - کمپرادوری در کشور ما افغانستان مستعمره و با فساد ذاتی عمیق و فراگیر در سرپایش، از درد های مزمن لاعلاج چندی رنج می برد. این نظام ضد ملی و ضد مردمی فقط به زور حمایت مالی و توپ و تانک اشغالگران روی پایش ایستاده و از مردم کشور و درد ها و منافع آنان به فرسنگ ها بیگانه و دور است.

درد های این نظام کهن نیز به قول سرمد، آن " زخم چرکینی است که از مرحم بهبودی نمی پذیرد". فساد جزئی از ذات و کاراکتر این مجموعه نیمه فئودالی - مستعمراتی در بخش های زیربنائی و روبنائی است. بناء، غلبه بر فساد سیستماتیک و نهادینه شده در نهاد های دولتی و غیردولتی و در گستره جامعه دربند افغانستان اشغالی که از کلیت این نظام جدائی ناپذیر است؛ عبارت از کوتاه ساختن دست تطاول سازندگان و حامیان سیاسی، اقتصادی و نظامی چنین نظام منقوری است که در اوج نفرت مردم افغانستان و اوج تجریدش از مردم، بدون حمایت دست های حامیان بیرونی، شش ماه هم در برابر امواج توفنده اعتراضات مردمی دوام نمی آورد.